

## فوتبال با طعم مبارزه

ادامه از صفحه ۹

رمق، داستانی طولانی نیست ولی به اندازه کافی برای شخصیت‌پردازی و پیشبرد منطق روایت وقت می‌گذارد. مثلا این اثر با وجود بازنمایی خوبی که از نقش مسجد در مبارزات مردمی آن دوران ارائه می‌دهد، بچه‌های مسجد محله رؤوف را به شکل توده‌ای يك شكل و بدون وجه تمایز نسبت به یکدیگر تعریف نمی‌کند. گذشته‌ای هر چند اندك برای هر يك از آنها ارائه می‌کند و حتی از اختلافاتی بین این بچه مسجدی‌ها پرده برمی‌دارد. برخی فرازهای داستان که ممکن است فاقد کارکرد روایی و جدا از کلیت آن به نظر برسند نیز فکر شده هستند. مثل فصلی که رؤوف به خانه بابک دوست هپی‌اش می‌رود تا بابک يك خارجی را به او نشان بدهد. این فصل غریب‌زدگی عده‌ای از جوانان ایرانی در آن دوره را به خوبی به تصویر می‌کشد و البته وجه تمایزی از او نسبت به بابک نشان می‌دهد که می‌تواند یکی از علل همسو شدن رؤوف با مبارزات باشد.

نمی‌توان از رmq نوشت و اشارهای به طراحی جلد و صفحه‌آرایی خوب آن که توسط مجید زارع صورت گرفته، نداشت که علاوه بر زیبایی تا حد زیادی با محتوای کتاب تناسب دارد.

صحنه

### ماجرای یک پرونده پزشکی روی صحنه تئاتر

البته که تردیدی نداریم مرگ عباس کیارستمی با خطای پزشکی، بسیار دردناك بود اما از سویی سبب شد حساسیت‌ها درباره رابطه بیمار و پزشك بالا برود و از همین رو مردم به آگاهی‌های بیشتری در این باره مجهز شوند. در این مسیر نقش شگفت‌انگیز خانواده‌او و به‌ویژه پسرش را نباید از نظر دور داشت؛ او پیگیری پرونده پزشکی پدرش را از ساحتی شخصی و خانوادگی فراتر برد و زمینه‌ای اجتماعی به آن بخشید تا رهاورد این پیگیری، نه صرفا مجازات خاطیان و التیام دردی خانوادگی، بلکه سامان‌بخشی به پروسه‌های درمان بیماران باشد.

آن قدر این پیگیری‌ها ادامه‌دار شد و هر بار به طور فرسایشی از خانواده کیارستمی توان گرفت که بسیاری را از دنبال‌کردن اخبار مربوط به آن خسته کرد اما کیارستمی‌ها خسته نشدن تا روزی به نتیجه برسند. حالا جالب این است که این پرونده، مورد توجه يك گروه نمایشی هم قرار گرفته است؛ نمایشی که نامش را هم از یکی از کلیدواژه‌های تکرارشونده پرونده کیارستمی اخذ کرده است؛ تجدیدنظر

امیر اخوین قرار است نمایش تجدیدنظر را کارگردانی کند. او درباره این نمایش به ایسنا گفته: «زمانی که نمایش «ساختگی» را به شیوه اجرایی لکچر پرفورمنس در تالار مولوی اجرا می‌کردم با درگذشت آقای کیارستمی همراه بود و از آنجا که بحث پرونده پزشکی ایشان هم مطرح بود، تصمیم گرفتم نمایشی را با این موضوع و با همان شیوه اجرایی لکچر پرفورمنس که به آن علاقه‌مند شده بودم و بازخورد خوبی هم داشت، اجرا کنم.» او همچنین درباره تفاوت نمایش قبلی‌اش با نمایش جدید گفته: «نمایش ساختگی درباره پنج مرزبانی بود که سال ۹۲ در مناطق مرزی ایران رپوده شدند و ما این ماجرا را به همان شیوه اجرایی که اشاره کردم و در واقع شاخه‌ای از نتاثر مستند است، تحلیل می‌کردیم، اما درباره پرونده پزشکی آقای کیارستمی هرچه جلوتر رقتیم موضوع به خطای پزشکی نزدیک‌تر می‌شد و در نهایت آنچه برای اجرا در نظر داریم با محوریت خطای پزشکی آماده شد. البته ویژگی این نمایش نسبت به نمایش ساختگی این است که خطای پزشکی مساله‌ای است که بسیاری از مردم و شاید همه می‌توانند در معرض آن قرار بگیرند و دغدغه‌های اجتماعی و شخصی خیلی بیشتری در این موضوع وجود دارد.»

به گفته او این نمایش که اطلاعات لازم مرتبط با پرونده پزشکی زنده یاد کیارستمی هم برای آن جمع آوری شده است، در مهرماه اجرا می‌شود و بررسی‌ها به منظور توافق نهایی با یکی از تالارهای نمایشی در حال انجام است.



#### جمع‌آوری ۲۰هزار کاست نغمات قدیمی محرم

حجت‌الاسلام حسین فتحي مدیر موسسه هنر و ادبیات «هلال» از تدوین آرشیو ۵۰ ساله نغمات بزرگان مداحی کشورمان و بازسازی نغمات قدیمی محرم در قالب یک بسته موسیقایی به خبرگزاری مهر داده است. او گفته تاکنون حدود ۲۰ هزار نوار کاست جمع‌آوری شده و در حال تبدیل به قالب‌های دیجیتال است و همچنین افزوده: «این طرح دربرگیرنده وسعت جغرافیایی و زمانی زیادی است و این رونمی‌توانم درباره زمان انتشار تاریخ دقیقی را اشاره کنم».

# اوسنه گوهرشاد

#### دیروز هشتاد و چهارمین سالروز تحصن در مسجد گوهرشاد بود؛

### رمان «اوسنه گوهرشاد» سعید تشکری هم سفری است با کالسکه زمان به آن روز

از این جاکه نگاه می‌کنید شاید بسیاری از بن مایه‌های روایی تقویم تاریخ، به نظرتان پیش پا افتاده به نظر برسد. مثلا شاید از امروز که پانزدهم تیرماه هزار و سیصد و نود هشت شمسی است بخواهید بروید به دقیقا هشتاد و چهار سال و یک روز پیش تا ببینید آن روز در چهاردهم تیرماه هزار و سیصد و چهارده در مسجد گوهرشاد مشهد چه گذشت؛ و ببینید که ظاهرا كل آن غائله به خاطر کلاه‌شاپو به راه افتاده است. بعد فکر کنید به این‌که چرا باید خون دوهزار نفر را به خاطر این کلاه وارداتی به زمین ریخت؟ بله! شاید درست فکر می‌کنید. به هر حال وقتی مسیر مدرنیزاسیون مملکت از برداشتن چادر از سر زنان و گذاشتن کلاه بر سر مردان گذرد، ماجرا همین قدر هم مسخره به نظر می‌رسد خب. اما آن سوی ماجرا، نه تنها مسخره نیست بلکه مبارزهای رشادت‌مندانه است با این مسخرگی و پلشتی. لازم نیست بگوییم چون خودتان می‌دانید که واقعه مسجد گوهرشاد را که به قتل عام دوهزار نفر از متحصنین انجامید، اعتراض مردم به اجبار کلاه‌شاپوسرکردن از سوی رضا پهلوی بود که پدید آورد. او می‌خواست همان طور که به زور چادر از سر زنان برداشته بود، به ضرب چماق کلاه‌پهلوی را از سر ملت بردارد و کلاه‌شاپو سرشان بگذارد. خب، عده‌ای هم بودند که دوست نداشتند میرزابنویس نعل به نعل چنین دیکته کاهلانه‌ای باشند و جان‌شان را هم بر سر این باور گذاشتند وسط آن‌ها آن روز برابر یکی از مظاهر کور دیکتاتوری به‌ظاهر مصلح ایستادند تا به آیندگان پیام‌وزند اگر امروز مقابل کلاه‌برسرگذاشتن اجباری نایستند، فردا باید مقابل تجویزهای دستوری كل درشت‌تری بایستند.

دیروز، سالروز آغاز تحصن مردم مشهد در مسجد گوهرشاد بود. ما یاد رمانی افتادیم که اخیرا خوانده بودیم؛ رمانی که دقیقا ناظر بر وقایع آن روز است و سعید تشکری نمایشنامه‌نویس و اهل ادبیات داستانی آن را کم‌تر از یک ماه پیش منتشر کرده است. رمان «اوسنه گوهرشاد». راستی اگر شما هم مثل ما که نمی‌دانستیم، نمی‌دانید «اوسنه» یعنی چه، باید بگوییم «اوسنه» در گویش خراسانی همان «افسانه» است. با ما به پستوهای افسانه‌ای بیایید که سعید تشکری همراه با زنی از قرن نهم هجری آن را ساخته است.

#### کالسکه زمان به جای ماشین زمان

رمان «اوسنه گوهرشاد» با این‌که کمتر از یک ماه است منتشر شده اما می‌توان آن را مهم‌ترین اثر هنر و ادبیات داستانی ایران درباره این واقعه تاریخی در نظر آورد. ماجرای رمان، بر اساس سفرهای معروف ادبیات داستانی جهان با ماشین زمان است. مثل سفری که شخصیت دوست‌داشتنی رمان تحسین شده «سلاخ‌خانه شماره پنج»، دوست داشت با ماشین زمان صورت بدهد؛ بیلی پیل گریم سرباز درگیر در جنگ جهانی دوم را می‌گوییم که اسیر آلمان‌ها شد و به سلاخ‌خانه‌ای در شهر درسدن پناه برد. یا مثل قهرمان رمان «ماشین زمان» هریتر جورج ولز که با وسیله‌ای مکانیکی به آینده‌ای نامعلوم سفر کرد و آن جا فهمید که بشریت به دو دسته تقسیم شده است. این‌جا ما سعید تشکری، شخصیت اول رمانش را که مثل خودش داستان نویس است، سوار این بار ماشین که نه کالسکه زمان می‌کند و به هرات پنج قرن پیش می‌برد تا او را در سفر گوهرشاد بیگم به ۵۰۰سال بعد همراهی کند. اما گوهرشاد کیست؟

#### گوهرشاد؛ عاشق هنر و ادبیات

گوهرشاد بیگم همان زنی است که سال ۸۲۱ هجری قمری، مسجد گوهرشاد را در ضلع جنوبی حرم امام رضا (ع) بنا می‌کند و این بنا می‌شود یکی از شاهکارهای هنر معماری در قرن نهم. مسجد گوهرشاد، تنها سازه‌ای نیست که او اطراف حرم بنا کرده است. دو رواق «دارالحفاظ» و «دارالسیاده» هم کار او است؛ همسر شاهرخ تیموری و زنی موثر در دربار تیموریان که طی رنسانسی فرهنگی، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را در دربار غالب می‌کند.

حامی هنرمندان، فیلسوفان و شاعران است و تصور دربار را نسبت به هنر و ادبیات تغییر می‌دهد. آورده‌اند که عبدالرحمان جامی هم تحت حمایت او بوده است. شما هم اگر قرار بود به جایی از تاریخ سفر کنید و زنی را برای همراهی به جایی دیگر از تاریخ برگزینید، همین زن را انتخاب نمی‌کردید؟

#### نمایش عموهای فیتيله‌ای در کانون

نمایش «چتر سفید» به کارگردانی حمید گلی، یکی از عموهای فیتيله‌ای، از ۲۰ تیر هر شب ساعت ۲۰ به جز روزهای شنبه در سینما تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان روی صحنه می‌رود. مهدی نیک‌روش نویسنده نمایشنامه است، رامین کهن آهنگساز و علی فروتن دستیار کارگردان «چتر سفید» هستند.

#### فرق داستان سعید تشکری با داستان استیون کینگ چیست؟

اما چرا نویسنده رمان «اوسنه گوهرشاد» کاراکتر رمانش را سوار کالسکه می‌کند و به هرات پنج قرن پیش می‌برد تا با گوهرشاد بیگم به مشهد بیایند؟ آنها قرار است طول پنج قرن را طی کنند تا از قرن نهم قمری به سال ۱۳۱۴ شمسی بیایند. یعنی مستقیم برسند سر وقت تحصن مردم مشهد در مسجدی که حالا به نام گوهرشاد مزین شده است. او در واقع قرار است پانصدسال جلوتر بیاید تا ببیند رضا پهلوی چطور مردمی را که در مسجد او متحصن شده‌اند، به گلوله می‌بندد. تا این جای کار شاید ماجرای این رمان شما را یاد مینی‌سریال آمریکایی «۱۱،۲۲،۶۳» انداخته باشد؛ مینی‌سریالی که چند سال پیش بر اساس رمان استیون کینگ با همین نام ساخته شد و ماجرای مردی را روایت می‌کرد که در طول تاریخ سفر می‌کرد تا برسد به روزی که جان اف کندی در تگزاس ترور شد. او می‌خواست از ترور کندی جلوگیری کند چون به او گفته بودند اگر کندی زنده بماند، تاریخ به شکل انسانی‌تری تغییر می‌کند و مثلا بنا به سیاست‌هایی که از کندی سراغ داشته‌ایم احتمالا دیگر آمریکا به ویتنام حمله نمی‌کند. حالا نمی‌گوییم که چنین اتفاقی می‌افتد و اگر می‌افتد آمریکای امروز چه تغییری در این رمان و سریال می‌کند تا اگر ندیده‌اید، داستان را لو نداده باشیم. اما ماجرای کاری که سعید تشکری در رمان «اوسنه گوهرشاد» کرده، با «۱۱،۲۲،۶۳» فرق دارد و مهم‌ترین فرقهش هم این است که او شخصیت‌هایش را سوار کالسکه زمان کرده تا برود و صرفا ببیند از نزدیک که آنجا چه پیش آمد. او نمی‌خواهد در تاریخ دست ببرد. نمی‌خواهد چیزی را تغییر بدهد. کار او، نظارت است و از همین رو خلاف آن سریال کارش به قضاوت تاریخ نمی‌افتد چندان.

#### بوم؛ بوطیقای گم‌شده ادبیات

حالا مدتی است حنای این حرف‌ها رنگی ندارد اما کدام اهل حرفه‌ای در ادبیات جهان است که نداند مسیر جهانی‌شدن ادبیات یک سرزمین از غنای ادبیات بومی‌انجا می‌گذرد. آنها چه کار دارند که ما چگونه بوطیقای داستان‌نویسی آنها را کپی کرده‌ایم یا این کپی‌کاری ما از چه کیفیتی برخوردار بوده است؟ آنها طبعاً می‌خواهند ببینند ما چه گفتمانی توانسته‌ایم به این ادبیات بیفزاییم؟ سعید تشکری از آنهاست که این حقیقت را به خوبی دریافته است. او همواره از جغرافیای خراسان می‌نویسد. حسام آبنوس همکار فرهیخته ما، گفت‌وگویی با او در خبرگزاری فارس صورت داده که در بخشی از این گفت‌وگوی مفصل، بحث به همین جاها می‌کشد. تشکری می‌گوید: «بعید می‌دانم نویسندگانی با خُلق و خوی من، خارج از جغرافیای هویتی و معرفتی خود، اصلا بتوانند ایمن بمانند. نام مشهد یک تمدن عظیم است. زیستن در این شهر، به مفهوم یک توریست، هرگز نمی‌تواند جایی در رمان‌نویسی داشته باشد. این دوم نویسی و نه بومی‌نویسی، این اقلیم‌گرایی؛ یعنی ادامه‌داشتن در تمدن‌سازی هویت. سرمشق ساده ما، زندگی همه نویسندگان تابعی از جغرافیاست. تاریخ لاف می‌زند، تیتیر می‌دهد، اما جغرافیا بدل این لاف است. فرهنگ با جغرافیا می‌آید و نویسنده کنشگر، این چند صدایی را می‌نویسد. این همان بوطیقای گم‌شده ماست. آرمان شهر و ایران شهر، دو مدخل روایت داستان و رمان هستند؛ اما قبیلش تربیت است، بعدش کنش».

##### سعید تشکری

علاوه بر «اوسنه گوهرشاد»

که تازه‌ترین رمان اوست، در رمان

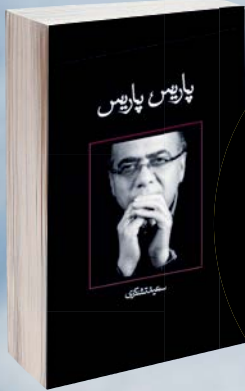
«پاریس، پاریس» هم سفری کرده

است به خراسان روزهای واقعه مسجد

گوهرشاد. «پاریس، پاریس» را اول بار

۹ سال پیش، انتشارات کتاب

نیستان منتشر کرده است



«اوسنه گوهرشاد»

تازه‌ترین رمان سعید تشکری

که انتشارات به‌نشر آن را کمتر

از یک ماه پیش منتشر کرده،

مهم‌ترین روایتی است که تا حالا

ادبیات داستانی ایران از واقعه

گوهرشاد ارائه داده است

